

## خطبه‌های نماز جمعه ۸ مرداد ۱۴۰۰

### خطبه نخست

#### اهمیت عید غدیر

چرا عید غدیر برای ما اهمیت دارد؟ و چرا ائمه اطهار سلام الله علیهم به این روز چنین اهمیت می‌دادند؟ سخن بسیار است و باید از حکمت ائمه اطهار علیهم السلام توشه‌ها گرفت و اما در این مجال فقط یک روایت می‌خوانم امام صادق سلام الله علیه می‌فرماید:

«لَعَلَّكَ تَرَىٰ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا» [الاقبال: ۲/۲۸۳]

«شاید تصور کرده‌ای که خدای عزوجل روزی مهم‌تر و بزرگ‌تر از آن (عید غدیر) آفریده است؟ بخدا قسم چنین نیست! بخدا قسم چنین نیست! بخدا قسم چنین نیست.»

#### دلایل اهمیت روز غدیر

بعد امام علیه السلام دلیل آن را می‌فرماید:

«ثُمَّ قَالَ «وَلْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ إِذَا لَقِيتَ أَخَاكَ الْمُؤْمِنَ»

«هرگاه برای مومن را دیدی، چنین بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ»

«حمد خدای را که ما را به این روز گرامی داشت.»

#### دلیل اول: کرامت انسانی

**اولین دلیل** اهمیت عید غدیر آن است خدای تعالی مومنان و مسلمان را با نصب امیرالمومنین سلام الله علیه گرامی داشت. یعنی **کرامت** انسانی که جزء اصول و مبانی دینی ماست، در این روز انجام شده و **کرامت** انسان‌ها حفظ شد.

#### دلیل دوم: توحید و ایمان توحیدی

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»

«و ما را از مومنان قرار داد»

## السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلک غير هلك

**دلیل دوم** این که موجب تثبیت ایمان در مسلمانان شد. بدون ولایت ایمان معنی ندارد. اکمال دین و اتمام نعمت هم به واسطه ولایت است. ایمان یعنی تربیت توحیدی بشر و ایمان تنها در سایه ولایت امیرالمومنین سلام الله علیه و ائمه اطهار علیهم السلام امکان دارد. ما با توحید به کمال مطلوب خود یعنی قرب الهی و لقاء الله می‌رسیم. و توحید هم در سایه ولایت ممکن است. این دومین رکن از ارکان جامعه اسلامی است.

### دلیل سوم: برپایی عدالت اجتماعی

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَهُ الَّذِينَ عَاهَدُوا إِلَيْنَا وَمِيثَاقَهُ الَّذِينَ وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ وَلِيَّهِ وَلِئَامِهِ وَ  
الْقَوْمِ بِقِسْطِهِ» [همان]

«و ما را از وفاکنندگان به عهده‌ی که بر ما گذاشت و میثاقی که بر ما واجب کرد، یعنی ولایت والیان امر الهی و برپاکنندگان عدل الهی قرار داد.»

این هم **دلیل سوم** اهمیت روز غدیر. خدا تعالی از ما عهد و میثاقی گرفته است و ما باید این عهد و میثاق را برپا بداریم و آن این که ولایت ائمه اطهار علیهم السلام را هم چنین ولایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گردن نهمیم و با پیوند ولایت با آن بزرگواران به اقامه عدالت اجتماعی در جامعه انسانی همت بگماریم.

### حقیقت ولایت

بنابراین حقیقت ولایت امیرالمومنین سلام الله علیه عبارت است از اقامه توحید، کرامت انسانی و اقامه عدالت اجتماعی. انسان بدون ایمان، موجود بی‌هویتی است که قرآن آن را پست‌تر از چارپایان می‌داند: «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» [اعراف: ۱۷۹] زیرا راه را گم کرده است! بدون کرامت انسانی، از حقیقت انسانی خودش منسخ شده است. قرآن درباره نظام فرعون و پیروان فرعون می‌فرماید:

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» [زخرف: ۵۴]

«فرعون قوم خود را کوچک و حقیر کرد، در نتیجه آنان از وی فرمانبردار شدند. آری آنان گروهی از پست درآمده و فاسق و منحرف هستند.»

وقتی از راه ولایت بیرون رویم، از کرامت انسانی خارج شده‌ایم و در این صورت سبک‌مغز و حقیر شده‌ایم. و چقدر عدالت مهم است؟ سومین رکن جامعه اسلامی عدالت اجتماعی یعنی توزیع قدرت بین مردم است، مردم مومنی که گرامی داشته شده‌اند و برای اقامه توحید آماده جهاد هستند. بنابراین بدون ولایت امکان ندارد که بتوانیم توحید، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی را در روی زمین تحقق ببخشیم! از سوی دیگر عدالت اجتماعی که دو رکن مهم از ارکان جامعه اسلامی و پایه ایمان ماست که فقط با ولایت تأمین می‌شود.

نتیجه دلایل سه گانه

«وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاهِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ» [همان]

«و ما را از انکارکنندگان و تکذیب کنندگان به روز قیامت قرار نداد»

این فراز نتیجه دلایل سه گانه بالاست. انکار ولایت امیرالمومنین سلام الله علیه و تکذیب آن مساوی است با انکار و تکذیب قیامت و روز جزاء. معنای این جمله چیست؟ یعنی ایمان واقعی قیامت بدون ولایت امکان دارد و هرکس ولایت را انکار کند، در حقیقت قیامت را انکار می کند و هر کس روز جزاء را تکذیب کند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب کرده است و هرکس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند، خدای تعالی را انکار کرده و کافر شده است. پس ولایت رکن اصلی در دین الهی و تحقق آن است.

داروندار ما در قیامت!

حالا شما ببینید امام هادی سلام الله علیه در روز عید غدیر خطاب به امیرالمومنین سلام الله علیه عرض می کنند:

«مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَالْأَعْدَةُ لِلْمَعَادِ» [بحارالانوار: ۳۶۲/۹۷]

«آقای من! تو حجت بر بندگان و هدایت کننده آنان به رشد و راه درست و داروندار بندگان برای معاد

هستی.»

همه هستی بندگان در روز قیامت بسته به امیرالمومنین سلام الله علیه و محبت و ولایت آقای دو جهان است. خب توجه کنید، ما یک سرمایه بیشتر در قیامت برای عرضه نداریم و آن امیرالمومنین سلام الله علیه و ولایت آن حضرت است. تقوا و اعمال و کردار هم با ولایت و محبت امیرالمومنین سلام الله است که در قیامت و محضر خدای سبحان به کار ما می آید. بنابراین رکن ایمان و تقوا، ولایت امیرالمومنین و ائمه اطهار علیهم السلام است که سرمایه اصلی ما و تمام هستی ماست! از خدای تعالی عاجزانه درخواست داریم این سرمایه را ذخیره قبر و قیامت ما بفرماید.

## خطبه دوم

در خطبه نخست دلایل اهمیت روز بزرگ عید غدیر را بیان کردیم و در این خطبه می خواهیم نقبی به نگاه بلند امیرالمومنین سلام الله به مردم بیاندازم.

## نظام کارگزاری در سیره امیرالمومنین سلام الله عليه

امام عليه السلام خطاب به اشعث استاندار آذربایجان که فردی فاسد بود، چنین می فرماید:

«إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ» [نهج البلاغه: ۳۶۶]

«کارگزاری تو طعمه نیست، بلکه برگردنت امانتی است و آن که تو را به آن مگارد است، این امانت را بر گردنت انداخته است»

حالا چه کسی شمای مسئول را بر کار گمارده است، مردم انتخاب کرده اند؟ آنان بار امانت را بر گردن شما انداخته اند. شما انتصابی هستید، آن که شما را نصب کرده است، به گردن شما طوق امانت انداخته است. این بار سنگین بر دوش شماست. در ادامه می فرماید:

«لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ» [همان]

«تو حق نداری نسبت به مردم استبداد بورزی!»

کار دل‌بخواه نیست. مسئول نظام اسلامی باید تحت ضابطه الهی و قانون حرکت کند و حق ندارد که نظر خود را - چون قدرت دارد - بر مردم تحمیل کند. این نمی شود که بیست دقیقه برجام را تصویب کنید و فکر کنید که کسی از شما بازخواست نخواهد کرد. چه زیبا امیرالمومنین سلام الله عليه به اشعث نهیب می زنند:

«وَأَعْلَىٰ أَلَّا أَكُونَ شَرًّا وَلِأَنَّكَ لَكَ» [همان]

«امیدوارم بر تو بدترین والیان نباشم!»

وای به مسئولی در جمهوری اسلامی که امیرالمومنین سلام الله عليه از او بازخواست کند که هیچ راه فراری ندارد!

### رهنمودهای راهبردی به کارگزاران نظام

باید ما نگاه راهبردی به نهج البلاغه و کلام مولا عليه السلام داشته باشیم و سیره امیرالمومنین سلام الله در حکومت داری را نصب العین خود قرار دهیم تا گرفتار دولتی چون دولت یازدهم و دوازدهم نشویم که خدا می داند چقدر ما را عقب انداخت. فریب و بازی های سیاسی و نگاه به غرب و بی توجهی به آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی و مردم چقدر ما و ملت ما را گرفتار کرد که معلوم نیست تا کی باید تبعات آن را بکشیم. امیدوارم دولت جدید تلاش موفق کند که روش حکمرانی خود را سیره حکمرانی و سیاسی امیرالمومنین سلام الله عليه نزدیک کند، و این توقع ما از آن است.

امیرالمومنین سلام الله عليه در عهدنامه مالک اشتر راهبردهایی را تبیین می کنند:

### تقوا راهبردی مهم

اول تقواست، از خدای تعالی پروا بکنند؛ و صرفاً فرمانبردار دستورات خدای متعال باشد و رضای او را بجوید، و تلاش کند احکام اسلامی را پیاده کند و یار دین خدا باشد.<sup>۱</sup> راهش هم خودداری از هواهای نفسانی با زهد در دنیا و عبادت است. وگرنه نفسانیت آنان را به غفلت وا می‌پندارد.<sup>۲</sup>

امام علیه السلام چهار راهبرد کلی برای این که تقوا در جان کارگزار جمهوری اسلامی بنشیند، بیان می‌فرمایند:  
۱. در همه حوادث زندگی اجتماعی و حکمرانی بر هواهای نفسانی پیروز گردد. یعنی در جهاد مستمر با نفس باشد و اصلاح دائم درون داشته باشد.

۲. در داوری و حکمرانی میان مردم بی‌طرف و منصف باشد و رعایت عدالت و عدالت اجتماعی را بکند و عدالت را در جامعه بست بدهد.

۳. بر مردم مهربان باشد، مردم‌دار به معنای واقعی کلمه باشد.

۴. چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت با مردم داشته باشد. یعنی کرامت مردم را کاملاً رعایت بکند.<sup>۳</sup>

ملاحظه می‌فرمایید، سه راهبرد از چهار راهبردی که برای تقوا برشمردند، مستقیماً با مردم ارتباط دارد.

آن‌گاه می‌فرمایند: مبدا در جامعه شبانی، گرگی خورن‌خوار باشی؛ و دردون پنجه‌های نرم، چنگال‌های جانفرسا پنهان بداری؟<sup>۴</sup> اما محور حکمرانی را مردم قرار داده است. توجه بکنید که امام علیه السلام توحید مجسم است، اما محور حکمرانی را مردم قرار می‌دهند. و این یعنی مردم با توحید منافاتی ندارند، بلکه توحید در عمل صورتی پیاده می‌شود و تحقق می‌یابد که دولت مردم را نمایندگی کند. چقدر نگاه عمیق است؟ خدا می‌داند که ما خیلی با امیرالمومنین سلام الله علیه فاصله داریم.

### خدا را در همه کار در نظر بگیرد!

۲. حاکم و کارگزار نظام اسلامی باید بداند که خدای متعال بر او حکومت می‌کند، و خدای تعالی حاکن توانا و مطلق است و محال است که بتوان از حکومت او فرار کرد. حکومت برای حاکمان و کارگزاران - در هر حدی که هستند - آزمایش و امانت است. و بدانند که امکان ندارد که کسی بتواند با خدا بجنگد. و هیچ‌کس از دست انتقام الهی بگریزد و از لطف و مرحمت او بی‌نیاز باشد. او هرکاری را باید با فرمان خدا بسنجد و چنانچه خداوند متعال از آن نهی فرموده است، او از آن پرهیز کند.<sup>۵</sup>

### عدالت و انصاف

۳. انصاف و عدالت را سرلوحه حکومت خود قرار دهد. به مردم ستم نکند، زیرا ستم کار دشمن خداست. و خدای متعال در کمین ستم‌کاران است، و دعای ستم‌دیدگان را گوش می‌کند و کم‌ترین فساد و مظلومه‌ای را صرفه‌نظر نمی‌کند. راه کارگزاری در نظام اسلامی فقط میانه‌روی و عدالت است. حکومت و حاکم اسلامی

باید عدالت را چون ابر رحمت بر سراسر کشور و منطقه حکمرانی خود بگسترانند و با جدیت زیردستان را راضی و خشنود سازد.<sup>۶</sup>

### کرامت انسان‌ها

۳. مردم‌داری و حفظ کرامت انسان‌ها و مردم از اصول راهبردی حکومت اسلامی است که حاکمان باید آن را رعایت کنند. «از خشم مردم بترس که نمونه‌ای از خشم خداوند قهار است.» «همواره خواست مقربان و نزدیکان را فدای مصلحت عموم کن! زیرا خواص از هرچه تو برنجند، هرگز با رنجش مردم قابل مقایسه نیست.» «همیشه با مردم باش؛ با شادی آن‌ها شاد شو و در اندوه‌شان شرکت کن!»<sup>۷</sup>

### لزوم اقناع مردم در حکمرانی

مردم در نظام اسلامی باید در همه امور مردم به خود اعم از حوزه قانون و تصمیم‌سازی و اجرا و نظارت مشارکت داده باشند و آن‌گاه مشارکت فعالانه دارند که کاملاً اقناع شوند، نباید کارگزار نظام اسلامی، مدیریت دولتی، مجلسیان و شوراها تصور کنند که قهرمان ملت هستند و بدون مشارکت و اقناع و یاری مردم - و صرفاً با تکیه بر نظرات خودشان و برخی اطرافیان خودشان که نام کارشناس بر خود گذاشته‌اند - می‌توانند کاری بکنند. نباید کارگزاران نظام به‌گونه‌ای باشند که مردم آرزو کنند هرچه زودتر ایام او سپری شود،<sup>۸</sup> مثل دولت روحانی که هیچ‌کس از رفتن آن ناراحت نیست و مردم عموماً خوشحال هستند.

دولت جدید که هنوز مستقر نشده است، ان شاء الله تعالی بزودی زمام امور را به دست می‌گیرد و هم دعا می‌کنیم که موفق شود که به ملت خدمت کند و هم تا بتوانیم به آن کمک می‌کنیم. اما به مجلس عرض می‌کنم که باید یاور دولت جدید باشد. دولت وسط میدان است، دولت قدیمی هماهنگ نبود، اما دوره آن تمام شد و الان همه ما موظف هستیم که به آن کمک کنیم.

### طرح صیانت از فضای مجازی

از جمله همین طرح صیانت از فضای مجازی است که بنظر می‌رسد که شتاب‌زده نوشته شده است. بله حتماً ما باید درباره فضای مجازی قانون داشته باشیم و باید این ولنگاری مدیریت شود. اما چگونه؟ رهبری حکیم ما ششم خرداد سال جاری در دیدار نمایندگان مجلس فرمودند:

«در مواردی - در مسائل حسّاس و مهم - ترجیح این است که به جای طرح، لایحه مطرح بشود. چون خصوصیت لایحه این است که امکان توانایی کارشناسی دولت هم پشتوانه‌اش است؛ چون

دولت هم دستگاه کارشناسی وسیعی دارد. لویح از این هم برخوردار است؛ [یعنی] علاوه بر این که شما کارشناسی می‌کنید، در دولت هم کارشناسی شده؛ به علاوه وقتی که لایحه باشد، چون مجری دولت است و او می‌خواهد اجرا کند، طبعاً با موافقت بیشتری اجرا خواهد شد.<sup>۹</sup>

فارغ محتوای طرح، اولاً چرا نمایندگان با شتاب دنبال چنین طرحی هستند. بگذارند دولت جدید مستقر شود. این دولت انقلابی و پرکار است و مردم و کرامت مردم هم جزء اصول اولیه رئیس‌جمهور منتخب است. وقتی دولت جدید مستقر شد، با تعامل با دولت و از طریق لایحه قانونی جامع و مانع و با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران نوشته شود.

رهبری حکیم ما چهارشنبه ششم مرداد با دولتیان فرمودند:

«هزار راه وجود دارد و این جور نیست که یک راه [باشد]؛ نه، راه‌های مختلف وجود دارد؛ [اگر]

انسان‌ها فکر کنند، راه‌های گوناگونی برای زندگی شخصی و اجتماعی و مدیریتی پیدا خواهند کرد.»

چه سخن حکیمانه است، شما باید از نظرات کارشناسان و نخبگان ملت استفاده کنید و طرح‌تان را به ملت ارائه دهید و بگذارید نظر بدهند و تا با کمک دولت جدید تبدیل به لایحه و قانونی کارآمد و همه‌جانبه بشود.

ثانیاً ملت در جریان لایحه باشند و قانون شفاف و دقیق باشد که این‌همه تفاسیر متناقض از آن نشود و بخشی از مردم را نگران نکند، به‌ویژه جوانانی که از اینترنت به عنوان فضای شغلی خودشان استفاده می‌کنند و نگران آینده شغلی خودشان هستند.

مباشد مثل دولتی که دارد، می‌رود و همه سرمایه خود را در برجام قمار کرد و الان ناامید و خسته صحنه را ترک می‌کند و شکست خورد و مایه عبرت دولت‌های بعدی شد،<sup>۱۰</sup> شما و ما نیز مایه عبرت مجالس و دولت‌های بعدی نشویم!

### پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup> «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِيْتَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا» [نهج‌البلاغه: ۴۲۷]

<sup>۲</sup> «فَإِنَّهُ جَلَّ أَسْمُهُ قَدْ تَكَلَّمَ بِبَصَرٍ مِنْ نَصْرِهِ وَ إِعْزَازٍ مِنْ أَعْزِهِ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ [مِنْ نَفْسِهِ عِنْدَ] نَفْسِهِ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ [يَنْزَعَهَا] يَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ» [نهج‌البلاغه: ۴۲۷]

<sup>٣</sup> «فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَامْلِكْ هَوَاكَ وَشَحِّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ وَ أَشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ» [نهج البلاغه: ٤٢٧]

<sup>٤</sup> «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ» [نهج البلاغه: ٤٢٧]

<sup>٥</sup> «وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلاَكَ وَ قَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ وَ لَا تَنْصِبَنَّ نَفْسَكَ لِحَرْبِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا [يَدِي] يَدَ لَكَ بِنِقْمَتِهِ وَ لَا غَنَى بِكَ عَنْ عَفْوِهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ لَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ وَ لَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبِهِ وَ لَا تُسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرِهِ وَ جَدَّتْ [عَنْهَا] مِنْهَا مَتَدُوحَةٌ وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مِنْهَكَةٌ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ - ٣٣ وَ إِذَا أَحْدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَهْبَهُ أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عَظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكْفُ عَنكَ مَنْ غَرِبَكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنكَ مِنْ عَقْلِكَ إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشْبِيهِ بِهِ فِي جَبَرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يَهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ» [نهج البلاغه: ٤٢٨]

<sup>٦</sup> «أَنْصَفَ اللَّهُ وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ [هَوَى فِيهِ] فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلا تَفْعَلْ تَظْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصَمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَتِهِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ [يَسْمَعُ] سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَّدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمُرْصَادِ وَ لَيْكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا [لِلرِّضَا] لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» [نهج البلاغه: ٤٢٨ - ٤٢٩]

<sup>٧</sup> «أَجْمَعُهَا [لِلرِّضَا] لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ [بِرِضَا] بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنْ سُخِطَ الْخَاصَّةُ يُغْتَفَرُ مَعَ [رِضَا] رِضَى الْعَامَّةِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِيِّ مَثُونَةً فِي الرَّخَاءِ وَ أَثْقَلُ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقْلُ شُكْرًا عِنْدَ الْأَعْطَاءِ وَ أَبْطَأُ عِزْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ وَ أَضْعَفُ صَبْرًا عِنْدَ مَلَمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ وَ إِنَّمَا [عَمُودُ] عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعِدَّةُ لِلْعُدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صَغُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلَكَ مَعَهُمْ وَ لَيْكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبَهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِيُّ أَحَقُّ مِنْ سَرَّهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنكَ فَاسْتَرِ الْعُورَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتَرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تَحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ أَطْلُقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ وَ افْطَعْ عَنكَ سَبَبَ كُلِّ وَتْرٍ وَ تَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ وَ لَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ» [نهج البلاغه: ٤٢٩ - ٤٣٠]

<sup>٨</sup> «إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ ظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَ إِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ وَ لَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلا بِحَيْطِنَتِهِمْ عَلَى وِلاةِ [أُمُورِهِمْ] الْأُمُورِ وَ قَلَّةِ اسْتِنْفَالِ دُولِهِمْ وَ تَرْكِ اسْتِنْبَاءِ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ فَافْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ وَ وَاصِلْ [مِنْ] فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُؤُ الْبَلَاءِ» [نهج البلاغه: ٤٣٢ - ٤٣٣]

<sup>٩</sup> امام خامنه‌ای در ملاقات تصویری با نمایندگان مجلس به تاریخ ششم خرداد ۱۴۰۰ فرمودند:

یک توصیه‌ی دیگر، تأکید بر کار کارشناسی است؛ که البته من قبلاً هم مکرر این را [گفته‌ام]؛ به نظرم به شما هم گفته‌ام، به مجالس قبل هم که مکرر گفته‌ام. کار کارشناسی خیلی مهم است. سطح کیفی قوانین باید بالا برود؛ باید قانون جوری باشد که سال‌های متمادی، مجریان رغبت داشته باشند از این قانون استفاده کنند و به آن پایبند باشند. [بالا بودن] سطح کیفی قانون، هم به قوت قانون است، هم به واقع‌بینانه بودن قانون است، هم به عملی بودن قانون است، هم به صریح و روشن و بی‌ابهام بودن قانون است، هم به تأویل‌ناپذیر بودن قانون است؛ کیفی شدن قانون به این صورت است. این هم با کارشناسی به وجود [می‌آید]؛ سطح کارشناسی را باید بالا برد. خب خوشبختانه مجلس، مرکز پژوهش‌ها را دارد که یک مرکز خوبی است، جای کارشناسی خوبی است. خود کمیسیون‌های تخصصی، مرکز کارشناسی است اما علاوه‌ی بر این‌ها خود نماینده بایستی کار کند؛ باید مطالعه



کنید. روی آن طرح یا آن لایحه که در اختیار شما قرار می‌گیرد، بنشینید مطالعه کنید، فکر کنید؛ احیاناً اگر چنانچه دسترسی دارد، با افرادی که صاحب‌نظرند مشورت بکنید تا این سطح کارشناسی بالا برود.

البته در یک مواردی - در مسائل حسّاس و مهم - ترجیح این است که به جای طرح، لایحه مطرح بشود. چون خصوصیت لایحه این است که امکان توانایی کارشناسی دولت هم پشتوانه‌اش است؛ چون دولت هم دستگاه کارشناسی وسیعی دارد. لوایح خوب از این هم برخوردار است؛ [یعنی] علاوه بر اینکه شما کارشناسی می‌کنید، در دولت هم کارشناسی شده؛ به‌علاوه وقتی که لایحه باشد، چون مجری دولت است و او می‌خواهد اجرا کند، طبعاً با موافقت بیشتری اجرا خواهد شد.

<sup>۱۰</sup> امام خامنه‌ای در آخرین ملاقات دولت دوازدهم - چهارشنبه ششم مرداد ۱۴۰۰ - خطابه به آنان فرمودند:

دیگران باید از تجربه‌های شما استفاده کنند. خوب حالا یک تجربه را من بخصوص یادداشت کرده‌ام، حرفی است که من مکرراً [در گفتگو] با شماها و با مردم تکرار کرده‌ام، حالا هم همان حرف را تکرار می‌کنم؛ این تجربه عبارت است از بی‌اعتمادی به غرب؛ آیندگان باید از این تجربه استفاده کنند. در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد؛ به ما کمک نمی‌کنند و هرجا بتوانند ضربه می‌زنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هرجا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است. مطلقاً نایستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست می‌خورد، قطعاً ضربه می‌خورد. شماها هم هرجایی که کارهای تان را منوط کردید به [همراهی] غرب، ناموفق ماندید؛ هرجایی که بدون اعتماد به غرب، خودتان قد علم کردید و حرکت کردید موفق شدید. نگاه کنید کار را؛ کارکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم این‌جوری است. هرجا شما موضوعات را به توافق با غرب و به مذاکره‌ی با غرب و با آمریکا و مانند این‌ها موکول کردید، آن‌جا ماندید و نتوانستید پیش بروید؛ چون آن‌ها کمک نمی‌کنند، دشمنی [می‌کنند]، دشمنند دیگر؛ هرجا شما از آن‌ها قطع‌نظر کردید، خودتان راه افتادید و از شیوه‌های مختلف [استفاده کردید] - هزار راه وجود دارد و این‌جور نیست که یک راه [باشد]؛ نه، راه‌های مختلف وجود دارد؛ [اگر] انسان‌ها فکر کنند، راه‌های گوناگونی برای زندگی شخصی و اجتماعی و مدیریتی پیدا خواهند کرد - هرجا این‌جوری حرکت کردید، پیشرفت کردید.